

تحلیل تشبیه و جایگاه آن در شعر شفیعی کدکنی^۱

حجت‌الله بهمنی مطلق^۲



تاریخ دریافت: ۹۲/۲/۱۴

تاریخ پذیرش: ۹۲/۱۰/۲

چکیده

مهم‌ترین شگرد و زیربنای همه‌ی شگردهای تصویرآفرینی در شعر تشبیه است. بنابراین تحلیل تشبیه می‌تواند برای شناخت وجوده زیبایی و درک مفهوم شعر و همچنین نگرش و گرایش و سبک‌شعری شاعر مفید باشد. در این مقاله ما تشبیه‌ها شعر شفیعی کدکنی را از دو مجموعه‌ی شعری وی استخراج کرده و مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌ایم تا از این طریق بخشی از وجوده هنری، گرایش‌های فکری، نوآوری‌های ادبی و ویژگی‌های سبکی شعرشان کشف شود. برای این منظور ابتدا به طبقه‌بندی تشبیه‌ها طبق بلاغت سنتی پرداختیم، سپس تشبیه‌ها کلیشه‌ای و مستعمل و تشبیه‌ها نو را شناسایی و بررسی کردیم. پس از طبقه‌بندی و تحلیل مشبه‌ها در هشت حوزه‌ی معنایی، دو ویژگی شاخص تشبیه‌ها یعنی جانب موسیقایی تشبیه‌ها و طبیعت‌گرایی در تشبیه‌ها را بررسی کردیم. نتایج پژوهش نشان می‌دهد شفیعی کدکنی سخت دل‌بسته‌ی طبیعت است و عنصر موسیقی شعر بویژه موسیقی درونی برایش بسیار اهمیت دارد تا جایی که در بسیاری از تشبیه‌ها در انتخاب لفظ مشبه و مشبه‌به تلاش می‌کند جنبه‌ی موسیقایی الفاظ رعایت شود.

واژگان کلیدی: شعر معاصر. شفیعی کدکنی. تشبیه. حوزه‌ی معنایی مشبه‌به

۱ - استخراج شده از طرح پژوهشی اجرا شده در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شرق.

۲ - استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شرق. h.bahmanimotlagh@yahoo.com

مقدمة

تشییه هر چند به عنوان یکی از عناصر صور خیال در شعر مطرح است اما مهم‌ترین عنصر و نیز زیربنای تمام شگردهای تصویرآفرینی است. تشییه در حقیقت تلاش ذهنی شاعر است برای ایجاد پیوند بین دو پدیده‌ی متفاوت و گاه بی‌ربط. یافتن این ربط و کشف این شباهت علاوه بر این که بیان‌گر توان ذهن و تخیل شاعر است، دیدگاه و نگرش او را به هستی و همچنین تاثیرپذیری او را از اوضاع جامعه بر ما آشکار می‌کند. به دنبال تحولات بنیادی و گستردگی فرهنگی پس از انقلاب مشروطه در ایران، نه تنها صورت و قالب آثار ادبی متحوّل شد بلکه از نظر درون‌مایه و اندیشه و نگرش شاعران هم ما شاهد تغییرات اساسی هستیم. شاعران معاصر از زاویه‌ای جدید به هستی، جامعه و انسان می‌نگرند. بخشی از نمود این نگاه نو در حوزه‌ی تشییه و تصاویر شعری آشکار می‌شود. «در شعر کهن تکوین تصویر در یک بیت صورت می‌گرفت، در بیت یک یا دو تصویر ارائه می‌شد و تکوین پیدا می‌کرد. گاهی این تصویر به یکی دو بیت دیگر نیز تجاوز می‌کرد ولی به طور معمول به دلیل بیت پرستی قدمای و به دلیل وجود قافیه‌ای محدود‌کننده، تصویر یک بیت به بیت دیگر منتقل نمی‌شد و یا در صورت انتقال به بیت دیگر در آن تکوین خود را به اوج می‌رساند و پایان می‌پذیرفت» (براهنی، ۱۳۷۱، ۱: ۲۹۵) در حالی که یکی از نقاط قوت تصویر در شعر معاصر، در محور عمودی خیال است. واحد شعر نو از حد مصراع و بیت فراتر است. گاه یک تصویر در کل یک شعر گستردگ است و با تصاویر دیگر پیوند دارد و «این تلفیق و تکوین تصاویر که شکل ذهنی شعر را ممکن می‌سازد شعر امروز را از شعر کهن که شکل ذهنی خود را در یک بیت متجلی می‌ساخت، جدا می‌کند». (پیشین: ۲۹۵) در شعر سنتی «تصاویر در سراسر شعر پراکنده‌اند و تنها موضوع یا وزن و قافیه‌ی واحد است که این توده‌ی پراکنده و متنوع را به دنبال خود می‌کشد

«فتوحی، ۱۳۸۶: ۱۰۹) عناصر تصویر در یک قصیده‌ی سنتی ممکن است شامل مواد معدنی، حیوانات آبی و خاکی، ابزار جنگی و پدیده‌های گوناگون باشد حال آن که در شعر نو به طور معمول به دلیل انسجام فرم و ساخت شعر و این که واحد شعر از حد مصراج و بیت فراتر می‌رود، تصویرها با هم تناسب دارند؛ به طور مثال شفیعی در شعر صرف و نحو زندگی (هزاره: ۴۰۲) برای تصویرسازی از واژگان دستور زبان مانند: جمله‌های ساده، فعل لازم، اسم جامد، اشتقاد، سوال و مرجع ضمیر استفاده می‌کند. تناسب بین این واژه‌ها به انسجام و یکپارچگی شعر کمک می‌کند. بنابراین بررسی و تحلیل تشییه‌هایی علاوه بر این که نگرش و دیدگاه شاعر را به هستی و جامعه معرفی می‌کند و میزان تأثیرپذیری او از روزگار خودش و از شاعران گذشته و نیز میزان نوآوری او را بر ما آشکار می‌کند، از این طریق بخش قابل توجهی از ابعاد هنری و زیبایی شعر شاعر تبیین می‌شود.

اگر دیدگاه منطقی‌ها را درباره‌ی شعر پذیریم که شعر را کلام موزون و مختیّل می‌دانند، جوهر و عنصر اصلی شعر خیال است و خیال «در ساده‌ترین شکل آن تصویری است که به کمک کلمات ساخته شده‌است. یک توصیف یا صفت، یک استعاره، یک تشییه ممکن است یک ایماز بیافریند و بر روی هم مجموعه‌ی آنچه را که در بلاغت اسلامی در علم بیان مطرح می‌کنند با تصرفاتی می‌توان موضوع و زمینه‌ی ایماز دانست» (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۶: ۹) و به تعبیری دیگر تصویر «حلقه زدن دو چیز از دو دنیای متغیر است به وسیله‌ی کلمات در دو نقطه‌ی معین» (براھنی، ۱۳۷۱، ۱: ۱۱۴) مبنای این حلقه زدن و پیوند رابطه‌ی مشابهتی است که شاعر به کمک نیروی تخیل و بر اساس دیدگاه و نگرش خویش کشف کرده‌است. بنابراین «تشییه هسته‌ی اصلی و مرکزی اغلب خیال‌های شاعرانه است. صورت‌های گوناگون خیال و نیز انواع تشییه، مایه‌گرفته از همان شباهتی است که نیروی تخیل شاعر در میان اشیاء کشف می‌کند و

در صورت‌های مختلف به بیان درمی‌آورد.» (پورنامداریان، ۱۳۷۴: ۱۸۱) ما در این مقاله تشییه‌ها شعر شفیعی را از دو مجموعه‌ی شعری آئینه‌ای برای صداها و هزاره‌ی دوم آهوی کوهی استخراج کرده و سپس به طبقه‌بندی و تحلیل آنها پرداخته‌ایم تا از این رهگذر بخشی از وجوده زیبایی و نوآوری‌های شعری و نیز گرایش فکری و تا حدودی ویژگی سبکی شعر وی آشکار شود.

تحلیل تشییه‌ها

بنا بر جستجوی ما در دو مجموعه‌ی شعری آئینه‌ای برای صداها و هزاره‌ی دوم آهوی کوهی که شامل دوازده دفتر شعری است، ۴۵۶ تشییه یافته شد. در زیر این تشییه‌ها را از جنبه‌های مختلف تقسیم‌بندی و با ذکر آمار دقیق آنها را تحلیل می‌کنیم:

۱- طبقه‌بندی تشییه‌ها

۱-۱- انواع تشییه از نظر ساختمان:

تشییه‌ها را از نظر ساختمان دو دسته می‌شوند: یکی تشییه‌های که طرفین آنها به صورت مضاف و مضافقیه می‌آیند که آنها را فشرده می‌نامیم. دوام تشییه‌های که طرفین آنها به صورت اضافی نیامده‌اند و گاهی ارکان دیگر تشییه هم در آنها ذکر شده است و از آنها به عنوان تشییه گسترده نام می‌بریم. در میان تشییه‌ها شعر شفیعی ۳۶۲ تشییه فشرده و ۹۴ تشییه گسترده یافته شده است. تشییه‌ها فشرده از ارزش هنری بالاتری برخوردارند چرا که حذف ادات و وجه شبه منجر به تلاش ذهنی خواننده برای کشف وجه شبه می‌شود و گاه خواننده با توجه به ذهنیت خود وجه شبه‌ی می‌یابد که حتی به ذهن شاعر هم نرسیده است و به این شکل خواننده هم در فرایند آفرینش اثر هنری سهیم می‌شود و از آن لذت بیشتری

می‌برد. فراوانی این تشبیه‌ها در دفترهای شعری دوازده‌گانه در جدول زیر نشان

داده‌می‌شود:

تسبیه‌های دفترها													
تشبیه‌ها	اول	دوم	سوم	چهارم	پنجم	ششم	هفتم	هشتم	نهم	دهم	یازدهم	دوازدهم	مجموع
فشرده	۴۹	۶۱	۳۲	۲۸	۱۸	۱۳	۲۲	۳۰	۳۲	۳۹	۱۱	۲۵	۳۶۲
گسترده	۱۴	۱۶	۲	۵	۶	۱	۵	۸	۹	۱۳	۵	۱۰	۹۴

۱-۲-۱- انواع تشبیه از نظر مفرد و مرکب بودن: از این منظر تشبیه‌ها به چهار

دسته تقسیم می‌شوند:

۱-۲-۱- مفرد به مفرد: تشبیه‌ی سنت که طرفینش مفرد باشند. از ۴۵۶ تشبیه، ۴۴۷ تا یعنی حدود ۹۸٪ تشبیه‌ها از این دسته‌اند. در تشبیه‌ها مفرد گاهی مشبه یا مشبه به همراه با صفت یا اضافه و یا قیدی می‌آید که به آن تشبیه مقید می‌گویند. ۱۴ مورد از تشبیه‌ها مفرد مقید به صفت یا قیداند و به طور معمول هم یک پدیده‌ی طبیعی مانند: درخت خشک کج و گاهی یک امر انتزاعی مانند یقین که بردمد از بستر گمان در آنها همراه با قید آمده‌است؛ مانند:

نمای دهکده آینه‌ی تهی دستی است / درخت خشک کجی همچو دست مفلوجی

/ شده است بیهده از آستین جوی برون (آینه: ۱۳۲)

در این غروب جشن و چراغانی / همچون کمان رستم بر طارم سپهر / یا چون یقین که بردمد از بستر گمان / روی چه ایستاده پل خواجه در زیر آسمان؟ (هزاره: ۷۷)

۱-۲-۲- مفرد به مرکب: تنها نمونه‌ی این نوع تشبیه مورد زیر است که در آن نگاه معشوق به صحنه‌ای که از ترکیب صبح و ساحل شکل گرفته، تشبیه شده‌است: آینه‌ی نگاهت پیوند صبح و ساحل / لبخند گاه‌گاهت صبح ستاره باران (آینه: ۳۶۵)

۱-۲-۳- مرکب به مرکب: تشبیه‌ی سنت که تصویر آن از چند چیز متنزع شده باشد به بیان دیگر مجموعه‌ای به مجموعه‌ای دیگر تشبیه شده باشد. از این گونه ۶ نمونه یافته شد. در زیر یکی دو نمونه بررسی می‌شود:

با لکه‌های ابر سپیدت که شامگاه / آیند بر کرانه‌ی دشت افق فرود / چون سومنی سپید که پرپر شود ز باد/بر موج‌های ساحل دریاچه‌ای کبود(آینه:۹۸)مجموعه‌ی لکه‌های ابرسفید درشامگاه در افق به سومنهای سپیدی تشییه شده‌اند که بر موج‌های ساحل دریاچه‌ای کبود پرپر شوند.

سوی اشکم نگهت گرم خرامید و چه زیباست / آهوی وحشی و در چشمهمی روشن نگرستن (آینه: ۳۷۰) این جا گرایش نگاه معشوق به اشک عاشق به آهوی وحشی تشییه شده که به چشمهمای روشن می‌نگرد.

۱-۲-۴- مرکب به مفرد: نمونه‌ای در شعر شفیعی پیدا نشد.

۱-۳- تشییه‌ها از نظر طرفین تشییه:

هر کدام از طرفین تشییه ممکن است یک امر حسی یا عقلی باشد بر این اساس تشییه‌ها چهار دسته می‌شوند: حسی به حسی، حسی به عقلی، عقلی به حسی و عقلی به عقلی. آمار تشییه‌ها شعر شفیعی از نظر طرفین تشییه در جدول زیر نشان داده می‌شود:

انواع تشییه از نظر طرفین	محسوس به محسوس	معقول به محسوس	معقول به معقول	محسوس به معقول	تعداد
۲۴	۱۹۹	۴	۸		

با استناد به این آمار ۵۳/۶ % از مجموع تشییه‌ها محسوس به محسوس، ۴۳/۷ % معقول به محسوس، ۰/۸ % معقول به معقول و ۱/۷ % محسوس به معقول است. طبق این آمار باید گفت فراوانی تشییه‌ها محسوس به محسوس بی ارتباط با طبیعت گرایی در شعرشان نیست. ۹۹ مورد از این تشییه‌ها مشبه‌شان و ۱۸ مورد طرفینشان از پدیده‌های طبیعت است که همگی از امور محسوس به شمار می‌آیند.

۴-۱- تشبیه‌ها مرسل و موکّد:

تشبیه مرسل تشبیه‌ی سنت که ادات تشبیه در آن ذکر شده و موکّد تشبیه‌ی که ادات آن حذف شده است. در میان ۴۵۶ تشبیه استخراج شده، تنها در ۴۷ مورد ادات تشبیه ذکر شده و موکّد محسوب می‌شوند و در ۴۰۹ مورد دیگر ادات حذف شده و مرسل شمرده می‌شوند. بنابراین ۱۰/۳٪ از کل تشبیه‌ها موکّد و ۸۹/۷٪ مرسل است. ادات این تشبیه‌ها موکّد همان اداتی است که در شعر سنتی فارسی رایج بوده است. این ادات عبارتنداز: همچو(۴ مورد)، چون (۲۳ مورد)، چو(۴ مورد)، چنان‌چون، بهرنگ(۲ مورد)، بسان(۲ مورد)، مثل (۸ مورد)، همچون، گویی، وار.

۵-۱- تشبیه‌ها مجمل و مفصل:

تشبیه‌ها مفصل در شعر شفیعی کدکنی بسیار کم است و در میان مجموع ۴۵۶ تشبیه ۲۵ مورد تشبیه مفصل دیده می‌شود. همان تعداد محدود هم یا از تشبیه‌های سنت که نو و تازه‌اند؛ مانند تشبیه روح شاعر به عصمت آئینه‌ها(آئینه: ۱۲۴)، شب به هزار پا(آئینه: ۴۳۶)، خنیاگر کور به پیامی دروغین(هزاره: ۱۶۸) و یا از مواردی است که وجوده شبه متعدد و متنوع است و شاعر وجه شبه خاصی را در نظر دارد؛ مانند تشبیه معشوق به گهر(آئینه: ۳۰) که می‌توان وجودی مانند ارزشمندی، کمیابی و بی‌مانندی و... را بین آن دو در نظر گرفت اماً شاعر «زینت‌بخشی آغوش و کنار» را به عنوان وجه شبه ذکر کرده تا مانع گرایش ذهن خواننده به آن وجوده مبتذل شود. یا این که شاعر وجه شبه تازه یافته که زیبایی تشبیه در آن است؛ مانند تشبیه عاشق به هلال(آئینه: ۳۷) که یک تشبیه مکرّر و مبتذل است و می‌توان وجود مشابهتی مانند لاغری و نحیفی و زردی را برای آن در نظر آورد اماً وجه شبه ذکر شده برای آن «سر شوریده بر زانوی غم داشتن» است. این وجه شبه به تشبیه تازگی بخشیده است. یا به طور مثال تشبیه شخص به دریا (آئینه: ۸۷) که تشبیه مبتذل

است با وجه شباهایی مانند: بزرگی، وسعت و دست و دل بازی، اما شاعر «در خویش سفر کردن از خویش» را که رابطه‌ی تازه‌ای است بین آن دو یافته که ذکر آن بر زیبایی و تازگی شبیه افزوده است.

۶-۱- شبیه جمع و تسویه:

شبیه جمع: یعنی شبیهی که یک چیز به چند چیز مانند شود. در نمونه‌های زیر یک مشبه به دو مشبه به شبیه شده است؛ پل خواجو به کمان رستم و یقین و کتاب هستی به سفینه و دریا مانند شده است:

در این غروب جشن و چراغانی / همچون کمان رستم بر طارم سپهر / یا چون یقین که بردمد از بستر گمان / روی چه ایستاده پل خواجو در زیر آسمان؟ (هزاره: ۷۷) کتاب هستی ما این سفینه این دریا / دوباره آیا شیرازه بسته خواهد شد (هزاره: ۶۹) شبیه تسویه: از این نوع شبیه که بر عکس شبیه جمع، چند مشبه به یک مشبه به شبیه می‌شود، ۱۷ مورد یافته شد. نکته‌ی قابل توجه در این شبیه‌ها این که میان مشبه‌ها تناسب لفظی رعایت شده؛ به طور مثال تشنجی و تباہی به تور، ستاره و سنگ به اسم جامد شبیه شده است: ما در میان زخم و شب و شعله زیستیم / در تور تشنجی و تباہی / با نظم واژه‌های پریشان گریستیم (هزاره: ۱۱۵) جمله‌های ساده نسیم و آب و جویبار / فعل لازم نفس کشیدن گیاه / اسم جامد ستاره، سنگ / استقاق برگ از درخت / آنچه زین قبل سوال هاست (هزاره: ۴۰۲)

۷-۱- شبیه ملفوف و مفروق:

هر گاه چند شبیه در سخن باشد اگر مشبه‌ها جدا و مشبه‌به‌ها جدا بیایند، ملفوف و اگر هر مشبه به در کنار مشبه خود بیاید، مفروق نامیده می‌شود. به نظر می‌رسد این

گونه تقسیم‌بندی برای شعر کلاسیک مناسب باشد که واحد شعر در آن بیت است و در شعر نو با توجه به تغییر ساختار شعر جایگاهی ندارد. با وجود این در بخش‌هایی از بعضی شعرهای شفیعی چند تشییه‌پی‌درپی آمده که به تشییه‌ها مفروق نزدیک است؛ مانند: آیینه‌ی نگاهت پیوند صبح و ساحل/لبخند گاه‌گاهت صبح ستاره باران (آیینه: ۳۶۵) در مصراج اول نگاه معشوق به پیوند صبح و ساحل، و در مصراج دوم لبخندش به صبح تشییه شده است.

کیست در آنجا کنار چشمکه خود را / از گره موج می‌گشاید تصویر / موی سپیدش: غبار لشکر ایام / ذهنش: آیینه‌ای موازی شبگیر (آیینه: ۴۶۳) در این شعر هم ابتدا تشییه موی سپید به غبار لشکر غم و سپس تشییه ذهن به آیینه‌ی موازی شبگیر آمده است.

۱-۸-تشییه خیالی:

تشییه‌ی که «مشبه به آن امری غیر موجود و غیر واقعی است که حداقل مرکب از دو جزء است اما تک‌تک اجزای آن حسی و موجودند» (شمیسا، ۱۳۷۶: ۷۹) نمونه‌های محدودی از این گونه تشییه در شعر شفیعی دیده می‌شود؛ مانند: رخش رویین غرور (آیینه: ۱۱۰) که مشبه به رخش رویین خیالی است. مرغ عقیقین بال زرین پیکر آتش (آیینه: ۱۲۴) مرغی که بالش از عقیق باشد وجود خارجی ندارد. باران ابریشمین نگاهت (آیینه: ۱۲۶) بارانی از ابریشم وجود خارجی ندارد.

بعضی دیگر انواع تشییه مانند: تشییه مشروط، مقلوب، تفضیل و تمثیل در شعر شفیعی دیده نشد.

۲- حوزه‌ی معنایی مشبه‌به‌ها:

تشبیه اغلب پیوندی است بین ذهن و عین. شاعر برای آنچه در ذهن دارد مشابهی از عالم عین انتخاب می‌کند و در برابر آن می‌گذارد. واژه‌ای که از نظام گستردگی زبان انتخاب می‌شود و در جایگاه مشبه به قرار می‌گیرد، می‌تواند بیان‌گر نگرش، باورها، پایگاه اجتماعی و علایق شاعر باشد که مستقیم به آنها اشاره‌ای نکرده است و از شاخص‌های سبکی شاعر محسوب می‌شود چرا که طبق دیدگاه زبان‌شناسان «سبک محصول گرینش خاصی از واژه‌ها و تعبیر و عبارات است» (شمیسا، ۱۳۷۸: ۲۳) ما در زیر مشبه‌به‌های شعر شفیعی را از نظر حوزه معنایی طبقه‌بندی می‌کنیم تا بینیم بیشتر مربوط به کدام حوزه‌اند و از این طریق بتوانیم رابطه‌ای بین نگاه و اندیشه‌ی شاعر و مشبه‌به‌ها را پیدا کنیم. ابتدا مشبه‌به‌های هر دفتر را که بر اساس موضوعاتی هشتگانه طبقه‌بندی کرده‌ایم، می‌آوریم و سپس به نتیجه‌گیری می‌پردازیم:

حوزه‌ی معنایی	طبیعت	زندگی و جامعه‌ی امروز	امور انتزاعی	جانوران و حیوانات	زندگی و تمدن‌ستی	پرندگان	امور مذهبی	اصطلاحات علمی و ادبی
دفتر اول	۳۴	۰	۲	۱	۸	۳	۲	.
دوم	۲۸	۰	۰	۱	۸	۰	۱	.
سوم	۱۰	۱	۰	۰	۱	۰	۰	۳
چهارم	۱۵	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
پنجم	۷	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
ششم	۶	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱
هفتم	۸	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
هشتم	۱۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰
نهم	۷	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
دهم	۱۳	۳	۰	۰	۰	۰	۰	۰
یازدهم	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
دوازدهم	۶	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
مجموع	۱۴۵	۶	۳	۷	۳۹	۸	۸	۱۵

بررسی مشبه‌به‌ها از نظر معنایی نشان می‌دهد که بیشترین مشبه‌به‌ها مربوط به حوزه‌ی طبیعت و بعد از آن مربوط به حوزه‌ی زندگی و تمدن‌ستی و کهن است.

بسامد بالای مشبه‌ها در این دو حوزه معنی دار است. طبیعت در شعر شفیعی نمودی پر رنگ و گستردۀ دارد. عناصر و پدیده‌های گوناگون همچون: ابر، دریا، کوه، باد، باران، رود، تندر و طوفان، درخت، ستاره و ماه و مهتاب، صبح، گنجشک و سیره و سار، شقایق و آفتاب‌گردان و... در آن نقش‌آفرینی می‌کنند. گاه نمادهایی می‌شوند تا پرده از بیداد و تبهکاری‌های بشری بردارند و آلام و دردهای انسان را واگو کنند. گاه به مدد نیروی خیال شاعر طبیعتی دیگر را در آینه‌ی شعر به نمایش می‌گذارند و انسان درمانده در جامعه‌ی صنعتی و به دور مانده از طبیعت را دوباره به بازگشت به دامن طبیعت فرا می‌خوانند و گاهی هم انسان و طبیعت به هم پیوند می‌خورند. در شعر شفیعی «انسان و طبیعت از هم جدا نیستند. صفاتشان هم‌گون است. جامه‌ی طبیعت بر قامت انسان و جامه‌ی انسان بر قامت طبیعت می‌زید. گاه انسان بازان است و طبیعت آفتاب و گاه به گونه‌ی وارون» (زرقانی، ۱۳۸۳: ۵۷۵) نکته‌ی دیگر این که اگر بپذیریم که مثلث هویت شعر شفیعی را «تاریخ و فرهنگ گرایی، انسان‌گرایی و طبیعت‌گرایی» (پیشین: ۵۷۹) تشکیل می‌دهد، طبیعت جایگاه ویژه‌ای در ذهن و اندیشه‌ی شاعر دارد. فراوانی مشبه‌های مربوط به طبیعت هم نمودی از همین اندیشه‌ی طبیعت‌گرایی شفیعی است.

فراوانی مشبه‌های مربوط به زندگی و تمدن سنتی هم با ضلع دیگر هویت شعر شفیعی یعنی «تاریخ و فرهنگ گرایی» ارتباط دارد. بنا به گزارش تأیفات و پژوهش‌ها، شفیعی دل‌بسته‌ی تاریخ و فرهنگ کهن ایران بویژه آثار ادبی و عرفانی است. این علاقه‌مندی در شعرش به شکل‌های مختلف همچون اقتباس مضمون، تضمین بیت یا مصراع، تصویرهای شعری و... (بهمنی مطلق، ۱۳۹۲) نمود یافته است. مشبه‌هایی مانند: چرخشت، مجمره، مجری، خرقه، دستار، سبو، رخش رویین، چاوش، قلعه، دریچه، هودج، جام، شهربند، سرمنزل، شهسوار و... که از زبان کهن فارسی انتخاب شده و

مربوط به زندگی سنتی است، نشان دهنده‌ی این سلیقه و گرایش فکری شفیعی است.

۳- جانب موسیقیایی تشییه‌ها:

یکی از ویژگی‌های تشییه‌ها شفیعی کدکنی رعایت وجه موسیقایی آنهاست. همچنان که وی در مباحث نظری، موسیقی یا آهنگ در معنای عامش را یکی از ضروریات شعر می‌داند و معتقد است «شعر گره خوردگی عاطفه و تخیل است که در زبانی آهنگین شکل گرفته است» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۲:۸۶) در عمل هم به رعایت جانب موسیقایی شعر سخت پاییند است و نه تنها به وزن و قافیه اکتفا نمی‌کند و به شعر بی‌وزن اعتقادی ندارد، بلکه سعی می‌کند که تا حد امکان جانب موسیقایی درونی را هم لحاظ کند. نمود این مقوله‌ی هنری در شعر شفیعی به حدی است که شگردهای مختلف موسیقی افزایی مانند واج‌آرایی، سجع، جناس و تکرار، یک ویژگی سبکی وی به شمار می‌آید. از میان ۴۵۶ تشییه‌ی که از دوازده دفتر شعری استخراج شده، در ۵۴ مورد بین طرفین تشییه تناسب لفظی رعایت شده است. رعایت جنبه‌ی موسیقایی بین لفظ مشبه و مشبه به باعث می‌شود تا هماهنگی آن دو بیشتر شود؛ یعنی هرچند شاعر ادعا کرده است که مشبه از جهتی شبیه و مانند مشبه به است، نزدیکی در لفظ به شکل‌های واج‌آرایی، جناس و سجع، علاوه بر افزایش موسیقی، همانندی و شباهت بین طرفین تشییه را هم افزایش می‌دهد و در بعضی موارد که تشییه با لفظ دیگری در شعر فارسی سابقه داشته و تکراری و کلیشه‌ای شده است، به مدد این شیوه نو و تازه گردیده؛ به طور مثال تشییه «سلسله‌ی زمان» در شعر فارسی سابقه دارد اما وقتی شفیعی به جای «سلسله» واژه‌ی «زنجره» را به کار می‌برد و تشییه «زنجره‌ی زمان» (آینه: ۲۸۲) را می‌سازد، علاوه بر این که با تکرار واج «ز» و «ن» بر موسیقی کلام می‌افزاید به تشییه تازگی هم می‌بخشد. شکل‌های مختلف این تکرارها را می‌توان در دسته‌های زیر مشاهده کرد:

۱-۳- تکرار واج در آغاز. مانند:

جام جمشید جنون، ستاک صبح، شعرهای خرد، ساحل سکوت، شب
شب، زنجیرهای زمان، سلسلهای سرما، تیشهی تگرگ، شب روان شن‌ها، تور تصادف،
تور تشنگی و تباہی، هیمه‌ی هر هول، شطی از شتاب، تیر تبار تهمت، بیشهی باورها،
کاغذ کاهی کویر، مجرم مرجان، زنگار ظلمت، طور تامل، هستی هیمه‌وار، صفحه‌ی
صنوبران، شیار شبه و شک، کوچه‌ی کلام مخیل.

۲-۳- تکرار واج در پایان: واجموج.

۳-۳- تکرار هجا در آغاز: آسمان آرزوها، کوچه‌های کودکی.

۴-۳- سجع متوازن بین مشبه و مشبه‌به: شب شب، مجرم مرجان.

۵-۳- آرایه‌ی قلب: کوله بار ابر.

۶-۳- تتابع اضافات:

جام جمشید جنون، دژخیم مرگزای زمستان، رشته‌ی ابریشم شفق، چشم‌های سار سحر
سرودش، تیر تبار تهمت، قاره‌ی بی قرار عشق، کاغذ کاهی کویر، مجری مجموع توانایی
و توشم، کوچه‌ی کلام مخیل.

۴- تشبيه و طبیعت گرایی:

شفیعی کدکنی به گزارش اشعارش سخت دلسته‌ی طبیعت است و طبیعت‌گرایی

در شعرش جایگاه ویژه‌ای دارد و به گونه‌های مختلف نمود یافته است. نمود این طبیعت‌گرایی را می‌توان در شکل‌های «۱- توصیف شاعرانه‌ی طبیعت-۲- شخصیت‌بخشی به عناصر طبیعت ۳- سمبولیک کردن طبیعت و عناصر طبیعی ۴- از بین بردن فاصله‌ی میان انسان - شاعر با طبیعت» (زرقانی، ۱۳۸۳: ۵۷۴) مشاهده کرد. عنصر غالب در تشییه‌ها شفیعی طبیعت است از میان ۴۵۶ تشییه در ساختمان ۲۳۲ تشییه در جایگاه مشبه یا مشبه به یا گاهی در هر دو جایگاه از پدیده‌های طبیعت استفاده شده است. جلوه‌های گوناگون طبیعت علاوه بر این که موجود تصویرهای زنده و جذاب شده، از نظر زبان و معنی هم به شعر غنی و گستردگی بخشیده است. این تشییه‌ها را با توجه به این که عنصر طبیعت در کدام جایگاه آمده باشد به سه دسته تقسیم می‌کنیم:

۱-۱-تشییه‌های که مشبه آنها از عناصر طبیعت است:

این گونه تشییه‌ها به طور معمول در شعرهایی دیده می‌شود که شاعر به توصیف طبیعت پرداخته است. شاعر به مدد این تشییه‌ها تصاویر زیبایی از پدیده‌های طبیعت ارائه کرده است. پدیده‌های توصیف شده در این تشییه‌ها عبارتند از: ۱-پدیده‌های آسمانی؛ مانند: ابر، ستاره، رعد و برق، سپیده، شهاب، شفق، ستاره، آسمان، صائقه، هلال، آذرخش، تگرگ، سپهر، کهکشان، تندر، برف، ذوزنب. ۲-گیاهان: برگ، درخت خشک کج، خار، لاله، درخت صنوبر، گل‌های ساده مریم، شکوفه، درخت پر شکوفه، سبزه، گل آفتاب‌گردان، سرشاخه‌ها، باغ، نار سبز سرشاخه‌ها، نفس‌کشیدن گیاه، صنوبران ۳-پدیده‌های مربوط به دریا و رودخانه: موج، مرجان، جوی، رود، جویباران، نسیم و آب و جویبار ۴-باد و طوفان: باد، نسیم، طوفان، تندر باد، باد، نسیم، گردباد.

۴-۲-تشیههای که مشبه به آنها از عناصر طبیعت است:

در این تشیههای طور معمول یک امر معقول و گاه پدیدهای محسوس به یک عنصر طبیعی تشیه شده است. انتخاب پدیده‌ی طبیعی در جایگاه مشبه به برای آن است تا مشبه که امری انتزاعی و غیر محسوس است، حسی و قابل تصور و تجسم جلوه کند. مشبه‌ها را با توجه به حوزه‌ی معنایی شان می‌توان در این دسته‌ها جای داد: ۱-پدیده‌های آسمانی: خنده‌ی مهتاب، آینه‌ی خورشید، گریز باران از دره به صحراء، آسمان، هلال، خورشید، میغ، رنگین کمان، خورشید، ابر، باران، آسمان تنگ، آذرخش ۲-پدیده‌های مربوط به دریا و رودخانه: رقص ماهی و پیچ و تاب آن، صدف خالی افتاده به ساحل، گهر، گرداب، موج، دریا، ساحل، رودخانه، شط، خزه‌ی سبز لطیف، برکه، مردابک، چشم‌های روشن و آهون و حشی، چشم‌های جوشان، سه رود، لجن، چشم‌های گل و گیاهان: باغ (۱۰ مورد)، دشت (۵ مورد)، کشتزار، صحراء، گل شن، گل، بوسنان، گلبرگ، چمنزار، گل‌های سپید و روشن، جنگل، صحاری، کوچه‌باغ، مزرع، سبزه‌زار محمل، باغ پر صنوبر، شبدر، درخت، باغی پر از شقايق و مينا و لادن ۴- باد و طوفان: باد صبح، باد، نسیم، تندباد،

۴-۳-تشیههای که طرفین آنها از عناصر طبیعت است:

این تشیههای اغلب به قصد توصیف طبیعت ساخته شده و به کمک آنها تصاویر زیبایی از طبیعت ارائه شده است؛ به طور مثال در شعر «زادگاه من» که به توصیف روستای زادگاهش پرداخته می‌گوید: «با لکه‌های ابر سپیدت که شامگاه / آیند بر کرانه‌ی دشت افق فرود / چون سوسنی سپید که پرپر شود ز باد / بر موج‌های ساحل دریاچه‌ای کبود» (آینه: ۹۸)، ابرهای سفیدی که در پهنه‌ی افق هنگام شام پراکنده‌اند، تشیه شده‌اند به برگ‌های سوسن سفیدی که

باد آنها را پرپر کرده و بر روی موج‌های دریاچه‌ای کبودرنگ پراکنده است. با این تشبيه تصویری زیبا از یک صحنه‌ی طبیعت ارائه شده است. این تشبيه‌ها غالباً در شعرهایی دیده می‌شود که به توصیف طبیعت اختصاص دارند مانند: زادگاه من (آیینه: ۹۶)، باغ خودرو (آیینه: ۱۰۵)، در نور گل‌های مهتاب‌گون افاقی (آیینه: ۱۲۶)، در اقلیم بهار (آیینه: ۳۵۷)، شب خارابی (هزاره: ۹۸)، مثل نقاشی کودکان (هزاره: ۲۶۳)، طاووسی امید (هزاره: ۲۶۵)، حضور (هزاره: ۲۷۲)، باغ انار (هزاره: ۳۷۲)، ابرکبود (هزاره: ۴۷۶). از این تشبيه‌ها به نمونه‌های زیر می‌توان اشاره کرد: ابر در آبی صبح - قاصدک برکاسنی زار (آیینه: ۱۰۵)، ستارگان - گلبرگ (آیینه: ۱۲۷)، ستاره ناهید - برگ (آیینه: ۱۸۱)، شفق - باغ سرخ (آیینه: ۲۱۴)، نیما ب تگرگی بر سبزه - هاله‌ای گرد ماه (آیینه: ۳۵۷)، شن-شط روان (هزاره: ۱۹)، گل‌های افاقی - مهتاب (آیینه: ۱۲۷)، بوته‌ی طاووسی امید-طاوسی که صبح چتر بگشاید (هزاره: ۲۶۵)، گلناوهای قرمز و سبز برگ‌ها - یاقوت سرخ بر زبر جلد سیال (هزاره: ۳۷۲)

۵-تشبيه‌ها تکراری و مبتذل:

منظور تشبيه‌های است که در شعر فارسی رایج بوده و شاعران در دوره‌های مختلف از آنها استفاده کرده‌اند از همین روی کهن‌ه و مستعمل‌اند و رابطه‌ی بین دو طرف تشبيه لو رفته و مخاطب برای کشف وجه شبیه نیاز به هیچ تلاش ذهنی ندارد و به تبع آن لذتی هم از آن نمی‌برد. این تشبيه‌ها را به دو دسته تقسیم می‌کنیم:

۱-تشبيه‌های که در شعر فارسی سابقه داشته‌اند و به طور عینی در شعر شفیعی تکرار شده‌اند. هر چند نمونه‌ی مشابه این تشبيه‌ها در شعر شاعران دوره‌های مختلف دیده می‌شود اما فراوانی این نمونه‌ها در شعر بعضی شاعران مانند شاعران سبک هندی

بی دلیلی نیست شاید متاثر از دلبستگی بیشتر شفیعی به آنها و یا نتیجه‌ی مطالعه و پژوهش‌های استاد درباره‌ی شعر آنها باشد. در زیر بعضی از این تشبيه‌ها را همراه با نمونه‌ی مشابه آنها از شعر شاعران گذشته می‌آوریم:

برگی از باغ سخن هات ار بود / هستی صد باغ و بارانش بهاست (آیینه: ۱۹)
هرچه در شاخ هنر باغ سخن طوطی داشت / همه را داعیه بر تو در دام
گرفت (انوری)

از شهربند عقل به سر منزل جنون / این سان به شوق دیدن روی تو آمدم (آیینه: ۴۷)
ای عقل نیست جای تو سر منزل جنون / این شیشه را ز سنگ ملامت نگاه دار
(صائب)

دامن گلچین پر از گل بود از باغ حضورت / من چو باد صبح از آن جا با تهی
دستی گذشتم (آیینه: ۵۸)

طاووس من از باغ حضور که خبر یافت / کز رنگ من آیینه پر و بال برآورد (بیدل)
تشبيه‌ها تکراری و مبتذل (مشبه - مشبه به): نگاه - جام (آیینه: ۲۶)، من (عاشق) -
پروانه (آیینه: ۳۹)، صبر و شوق - کاروان (آیینه: ۴۱)، همت - مرغ (آیینه: ۴۳)، حسرت
و غم - گرد (آیینه: ۴۵)، طلب - بیابان (آیینه: ۵۱)، غم - غبار (آیینه: ۵۵)، نگه -
بهشت (آیینه: ۵۷)، همت - شهبال (آیینه: ۵۸)، فلك - محراب (آیینه: ۶۰)، دل - شبیم
(آیینه: ۶۵)، عشق - گلشن (آیینه: ۶۸)، شوق - سلسه (آیینه: ۷۰)، غم و حسرت
- موج (آیینه: ۷۱)، محبت - کوی (آیینه: ۷۸)، دل - کعبه (آیینه: ۸۰)، خموشی
- مهر (آیینه: ۸۳)، فنا - باد (آیینه: ۸۸)، آرزو - گل (آیینه: ۹۴)، عمر - کاروان
شتاپنده (آیینه: ۱۰۳)، خیال - شبستان (آیینه: ۱۱۱)، مهتاب - چشم (آیینه: ۱۲۴)،
چشم - آیینه (آیینه: ۱۲۴)، خواب - غبار (آیینه: ۱۲۴)، خیال - باغ (آیینه: ۱۲۷)،
سخن - نسیم (آیینه: ۱۲۷)، چشم - خورشید (آیینه: ۱۲۸)، ابر - پنجره (آیینه: ۱۳۱)

بال - مقراض (آیینه: ۱۴۵)، لاله - چراغ (آیینه: ۱۸۰)، سحر - جوی (آیینه: ۱۹۵)، آسمان - خیمه (آیینه: ۲۵۸)، یادها - آینه (آیینه: ۲۵۹)، شب - دشت (آیینه: ۲۶۵)، هلال - داس (آیینه: ۲۸۷)، نظاره - شط، (آیینه: ۳۲۸)، دست - پل (آیینه: ۳۳۵)، جویباران - چشم (آیینه: ۳۶۵)، چشم - آینه (آیینه: ۳۶۷)، تمنا - دام (آیینه: ۳۷۰)، جان - رشته (آیینه: ۳۷۰)، مهر - رشته (آیینه: ۴۲۲)، عشق - کیمیا (آیینه: ۴۷۶)، عمر - کژدم (آیینه: ۳۹۵)، وجود - دفتر (آیینه: ۴۲۲)، غم - آتش (هزاره: ۵۹)، هستی چشمه‌ی جوشان (آیینه: ۴۸۱)، یقین - تیغ (هزاره: ۵۱)، غم - آتش (هزاره: ۵۹)، هستی کتاب (هزاره: ۶۹)، حادثه - تندباد (هزاره: ۶۹)، سپهر - طارم (هزاره: ۷۷)، پل خواجو - کمان رستم (هزاره: ۷۷)، صبح - پیراهن (هزاره: ۸۹)، جور - عقاب (هزاره: ۱۲۲)، آرزو - باغ (هزاره: ۱۲۶)، ایام - دفتر (هزاره: ۱۴۷)، اندوه و غم - باران (هزاره: ۱۵۰)، تزویر - پرده (هزاره: ۱۶۰)، عشق - نرdban (هزاره: ۱۹۱)، آرزوها - کتاب (هزاره: ۲۲۳)، مشرق - دریچه (هزاره: ۲۸۰)، سبزه - زبان (هزاره: ۲۹۰)، اندوه - کوه (هزاره: ۲۹۴)، خاک - زنجیر (هزاره: ۳۰۶)، روز و شب - مرکب (هزاره: ۳۷۷).

در جدول زیر آمار تشییه‌ها مشترک با شاعران گذشته ارائه می‌شود:

شاعر	تعداد	تشییه	تیغ	آتش	خوار	دشت	آسمان	چشم	جوان	آینه	نرdban	سبزه	زمین	آسمان	چراغ	چشم	آینه	سحر	بال
	۱	۱	۱	۱۵	۱۹	۱	۳	۱	۲	۲	۵	۳	۳	۵	۲	۹	۲	۱	۱

طبق این جدول، بالاترین آمار به ترتیب بسامد از آن صائب (۱۹ مورد)، بیدل (۱۵ مورد) و خاقانی (۹ مورد) است و از طرفی با توجه به این که از میان این ۸۳ تشییه، ۵۷ مورد آن در مجموعه‌ی آیینه‌ای برای صداها آمده که از نظر زمانی نسبت به مجموعه‌ی هزاره‌ی دوم آهوی کوهی مقدم است، نتیجه می‌گیریم که شفیعی در شعرهای دفترهای اول بیشتر تحت تاثیر شاعران سبک هندی بویژه صائب و بیدل بوده است.

۲-۵- تشبیه‌های که با الفاظ متفاوت ولی معنی یکسان با تشبیه‌ها شاعران گذشته آمده‌اند. منظور تشبیه‌های سنتی است که در شعر گذشته به کار رفته‌اند ولی در شعر شفیعی با جانشینی لفظ مترادف به جای مشبه یا مشبه‌به یا با اندکی تفاوت در لفظ آمده‌اند؛ به طور مثال در شعر شفیعی «کشتزار آرزو» و در شعر گذشته «کشت آرزو» و نیز «کشت امل» آمده است. اغلب در تشبیه‌ها شفیعی گزینش الفاظ با رعایت جانب موسیقایی آنها صورت گرفته است؛ به طور مثال در شعر شفیعی «ظلمت تردید» و در شعر گذشته «ظلمت شک» آمده، شفیعی تردید را به جای شک به کار برده که با ظلمت در واج «ت» اشتراک دارد و واج آرایی ایجاد می‌کند. برای این که این تشبیه‌ها بهتر قابل مقایسه باشند، آنها را در دو ستون مقابل هم می‌آوریم:

نمونه‌های مشابه در شعر گذشته	تشبیهات شعر شفیعی
کشت آرزو - کشت امل	کشتزار آرزوها
ظلمت شک	ظلمت تردید
سنگ غم	صخره‌ی غم
برگی در آب کشته صد مور می‌شود	زورق برگ
کلاه شکوفه	دستار شکوفه
رود حیات	شط حیات
خورشید علم و دانش و دین - آفتاب علم	خورشید دانایی
دیواره‌ی حیرت	دیواره‌ی حیرت
دشت بیاض	کاغذ کاهی و زرد دشت
چراغ دو چشم	چراغ چشم جغد
نار کلیم و چشممه‌ی خضر است شعر من	شعر من این چشممه
سلسله‌ی زمان	زنجبیره‌ی زمان
خیمه‌ی شب	آلچیق شب

۶- تشبیه‌ها نو:

بعضی از تشبیه‌ها در شعر شفیعی نو و تازه می‌نماید. این تشبیه‌ها را با توجه به

علت تازگی و شگردهای که منجر به نوشدن آنها شده در دسته‌های زیر می‌آوریم:

۱- آنهایی که در شعر فارسی بی‌سابقه‌اند. دامنه‌ی جست و جوی ما برای یافتن نمونه‌های مشابه شعر شاعرانی است که در نرم‌افزار رایانه‌ای درج ثبت شده است.

۲- تشییه‌ها مبتدلی که با دخل و تصرف شاعر و افزودن قیدی یا صفتی تازه می‌نمایند؛ مانند «باران ابریشمین نگاه» در شعر: در زیر باران ابریشمین نگاهت / بار دگرای گل سایه‌رست چمنزار تنها‌ی من / چون جلگه‌ای سبز و شاداب گشتم (آیینه: ۱۲۶). آوردن صفت ابریشمین برای مشبه به تازگی به آن بخشیده است و گر نه این تشییه بدون این صفت در شعر فارسی آمده است: ای که داری چون هدف ذوق لباس سرخ و زرد / تیر باران نگاه خلق را آماده باش (صائب)

۳- تشییه‌های که شاعر بین یک مشبه و مشبه به تکراری رابطه‌ای جدید کشف کرده یعنی طرفین تشییه تکراری است اما وجه شباهت تازه و نو است؛ مانند: در خویش سفر می‌کنم از خویش چو دریا / دیوانه‌ی دیدار حریم دل خویشم (آیینه: ۸۷). هر چند تشییه شخص به دریا تکراری است اما وجه شباهت تازگی دارد شاعر بین مشبه و مشبه به رابطه‌ی جدیدی کشف کرده است، خود را همچون دریا می‌بیند که از خویش و در خویش سفر می‌کند.

۴- تشییه‌های که با یکی از صنایع ادبی دیگر مانند واج‌آرایی، حسن‌آمیزی و... همراه شده‌اند و از ارزش هنری خاصی برخوردارند:

۴-۱- تشییه و واج‌آرایی: بسامد واج‌آرایی در شعر شفیعی کدکنی بالاست تا حدی که یکی از ویژگی‌های سبکی شعرش به شمار می‌آید. وی در انتخاب الفاظ مشبه و مشبه به نهایت دقیق و وسوسات را به خرج می‌دهد تا الفاظ به گونه‌ای انتخاب شوند که جانب موسیقایی آنها رعایت شود. بنابراین در بسیاری از تشییه‌ها واج‌آرایی هم لحاظ شده که هم بر غنای موسیقایی شعر افزوده و هم به تشییه زیبایی و تازگی بخشیده

است. از میان ۱۵۱ مورد تشبیه نو ۲۵ مورد با واج آرایی همراه است؛ مانند: شط روان شن‌ها (هزاره: ۱۹)، بستر سکوت (آیینه: ۹۴)، دژخیم مرگزای زمستان (آیینه: ۹۴)، کوله‌بار ابر (آیینه: ۹۵)، میغ ابهام (آیینه: ۱۰۳)، هیمه‌ی هر هول، زمهریر لحظه، شطی از شتاب (هزاره: ۱۲۳)، جوی جستجوی (هزاره: ۱۲۶)، بیشهی باورها (هزاره: ۱۲۷)، قاره‌ی بی قرار عشق (هزاره: ۱۹۴)، کوچه‌ی کلمات (هزاره: ۲۱۰)، شط خاموشی (آیینه: ۲۳۳)، شط شب (آیینه: ۲۵۰)، مقراض آذرخش (هزاره: ۲۳۵)، مجمر مرجان به طاق موج (هزاره: ۲۹۳)، سطل زباله‌ای ست زمین در فضا رها (هزاره: ۳۳۶)، اسم جامد ستاره سنگ (هزاره: ۴۰۲)، مرجع ضمیر زندگی (هزاره: ۴۰۳)، طورِ تامل (هزاره: ۴۰۶)، هستی هیمه‌وار (هزاره: ۴۱۳)، چرخشت شکیایی (هزاره: ۴۲۲)، صفة‌ی صنوبران (هزاره: ۴۲۷)، شیار شبهه و شک (هزاره: ۴۵۸)، کوچه‌ی کلام مخیل (هزاره: ۴۸۴)، کوچه‌ی کودکی‌ها (هزاره: ۴۷۸)

۴-۲- تشبیه و حس‌آمیزی: در این تشبیه‌ها هر کدام از طرفین تشبیه به یکی از حواس پنجگانه مربوط می‌شوند؛ به طور مثال در تشبیه «چراغ کلام» مشبه (کلام) مربوط به حس شنوایی و مشبه به (چراغ) مربوط به حس بینایی است. این گونه تشبیه‌ها که در شعر شفیعی بسامد به نسبت بالایی دارند و می‌تواند یک ویژگی سبکی به شمار آید، باعث زیبایی خاصی در شعر می‌شوند بویژه در نمونه‌هایی که مشبه به از امور مربوط به حس بینایی است. در این موارد مشبه که از مقوله‌ی امور شنوایی یا بویایی است به کمک مشبه به، به یک پدیده‌ی دیداری و قابل تجسم تبدیل شده است؛ به طور مثال در تشبیه «شمع واژه‌ها» خواننده واژه‌ها را به صورت شمع تصور می‌کند. برای این تشبیه‌ها در شعر شفیعی می‌توان دو آبشخور حدس زد: یکی میراث ادب صوفیه که حس‌آمیزی در آثار صوفیه اعم از نثر و شعر فراوان به کار رفته است و خود استاد شفیعی درباره‌ی مبانی حس‌آمیزی و حس‌آمیزی عارف

و حس‌آمیزی در عرفان مفصل بحث و تفحص کرده‌اند(۱۳۹۲: ۴۴۶-۴۸۴) حتی به نظر می‌رسد بعضی از تشییه‌ها هم متأثر از متون عرفانی است. از جمله تشییه‌های مانند: چراغ شعر(هزاره: ۳۹۵)، چراغ کلام(هزاره: ۹۴)، چراغ صدا(هزاره: ۵۴)، چراغ حروف(آینه: ۳۴۲) بی‌تاثیر از سخن عطار درباره‌ی ابوالحسین نوری نیست آن جا که می‌گوید: «چون در شب تاریک سخن گفتی نور از دهان او بیرون آمدی چنان که خانه روشن شدی» (تذکره‌الاولیا، ۱۳۸۸: ۴۷۶). آب‌شور دیگر شعر سبک هندی بویژه شعر بیدل است که یکی از ویژگی‌های سبکی آن حس‌آمیزی است و بنا بر تحقیق خود استاد بسامد آن در شعر این شاعر بسیار بالاست(شفیعی کدکنی، ۱۳۶۶: ۴۲) باید توجه داشت که هر دوی این حوزه‌های فرهنگی یعنی ادب صوفیه و شعر بیدل جزو قلمروهای مطالعاتی و تحقیقاتی استاد بوده و در این زمینه پژوهش‌های ارزشمند و بی‌نظیری عرضه داشته‌اند. نمونه‌های این تشییه‌ها عبارتنداز: حریر رازبفت قصه‌های دور(آینه: ۱۱۴)، اطلس شمیم بهاران(آینه: ۱۶۹) جوی هزار زمزمه(آینه: ۱۶۹)، خوشترین هدیان‌ها / خزه‌ی سبز لطیفی است که در برکه‌ی آرامش تو می‌روید (آینه: ۲۶۳)، چراغ حروف(آینه: ۳۴۲)، آب همهمه (آینه: ۴۹۱)، همه جان چون نسیم آرامشی و بریشم آوای(هزاره: ۱۵)، چراغ صدای(هزاره: ۵۴)، چراغ کلام (هزاره: ۹۴)، باغ صدا(هزاره: ۲۰۱)، کوچه‌ی کلمات(هزاره: ۲۱۰)، جویبار نغمه‌ی نغز (هزاره: ۲۹۳)، چراغ شعر(هزاره: ۳۹۵)، شمع واژه‌ها (هزاره: ۳۲۶).

۳-۴-۶-تشییه و ایهام: یکی دیگر از ویژگی‌های تشییه‌ها شفیعی همراهی تشییه با یکی از گونه‌های مختلف ایهام است. همراهی این شگرد هنری با تشییه باعث می‌شود تا ذهن خواننده تأمل بیشتری بر متن داشته باشد و برای کشف زیبایی شعر تلاش بیشتری از خود بروز دهد و چه بسا میان دو معنی سرگردان بماند و در نتیجه لذت بیشتری هم از آن ببرد؛ به طور مثال در تشییه «تیر زهر آگین طعن» که طعن به تیر تشییه شده، طعن

در اینجا به معنی سرزنش است اما معنای دیگرش یعنی «نیزه‌ی کوچک» با واژه‌ی تیر ایهام تناسب برقرار می‌کند و با واژه‌ی «نیزه» که در ادامه‌ی شعر آمده است، ایهام ترجمه ایجاد می‌کند: تیر زهرآگین طعنش مانده در چشممان / تکیه داده خسته‌جان، بر نیزه‌ی تنها‌ی اش بی‌کس/ هیچش آن دستان خون‌آلوده پنداری به فرمان نیست (آیینه: ۱۱۳)

در شعر: باد، این چاوش راه کاروان گرد / نغمه پرداز شکست خیل مغورو سپاه من / می‌سراید در نهفت پرده‌های برگ / قصه‌های مرگ (آیینه: ۱۱۴) در تشبیه «پرده‌های برگ» ایهام تناسب رعایت شده است؛ پرده هم به معنی پوشش و حجاب و هم به معنی نغمه و آهنگ است. معنی دومش با واژه‌های «نغمه‌پرداز» و «می‌سراید» تناسب دارد. در شعر: به رنگ دود در آیینه‌ها نمودار است / و در رواق مساجد شکاف افتاده است / و در کنیسه‌ی گلهای ساده‌ی مریم / مجال شوق و نیایش نمی‌دهد ما را (آیینه: ۲۰۲)

واژه‌ی «مریم» نام گل است و با توجه به کنیسه (عبداتگاه ترسایان)، نام مادر حضرت عیسی (ع) را به یاد می‌آورد و با آن ایهام تناسب برقرار می‌کند. و یا در تشبیه «ابریشم آوا» ابریشم که نوعی پارچه است، با توجه به آوا، به معنی تار سازه‌های زهی ایهام تناسب دارد: «چو جای بزم بگزینند خوبان در گلستان‌ها / همه جان چون نسیم آرامشی و بریشم آوایی» (هزاره: ۱۵) در تشبیه «شکرپنجه» هم شکر ایهام دارد: ۱- نام مطربی اصفهانی که خسرو پرویز با او ازدواج کرد ۲- ماده‌ی سفید و شیرین: «آن سو ادامه دارد و دارد هنوز هم /.../ آواز عاشقان سمرقند / آواز مطربان شکرپنجه / در سمع / آواز عاشقان بخارا» (هزاره: ۷۸) بنابراین می‌توان دو شکل معنی کرد: ۱- مطربی که مانند شکر اصفهانی می‌نوازد ۲- مطربی که نواختنش شیرین و دل‌پذیر است. همچنین در شعر: جمله‌های ساده نسیم و آب و جویبار / فعل لازم نفس کشیدن گیاه / اسم جامد ستاره، سنگ / اشتقاد برگ از درخت / و آنچه زین قبل سوال‌هاست (هزاره: ۴۰۲) «فعل لازم» ایهام دارد: ۱- اصطلاح دستوری ۲- عمل لازم و ضروری برای

زندگی. همچنین «جامد» دو معنی دارد: ۱- اصطلاح دستوری ۲- با توجه به «سنگ» معنی ماده‌ای که مایع یا گاز نباشد.

۶-۴-تشبیه و تجاهل‌العارف: تشبیه وقتی با تجاهل‌العارف همراه می‌شود منجر به اغراق در شبهات و همانندی مشبه و مشبه به می‌گردد به گونه‌ای که شاعر ادعا می‌کند آنها را از هم نمی‌تواند بازشناسد. جالب‌تر این که این ادعا از طریق یک پرسش بلاغی بیان می‌شود و شاعر به طور مستقیم هیچ حرفی از تشبیه به میان نمی‌آورد و به اصطلاح از تشبیه مضمرا استفاده می‌کند که خود این امر بر ارزش زیباشناصی شعر می‌افزاید. در نمونه‌های زیر شاعر نمی‌گوید تگرگ بر سبزه مانند هاله‌ی گرد ماه است یا تیکوتاک ساعت زیر سر مانند صدای چشم‌های جوشانی است که قطره قطره به مرداب فروچکد، بلکه می‌گوید من نمی‌دانم این است یا آن. ولی ما از طریق این که تفاوت این دو پدیده خیلی آشکار است و چندان دشوار نیست که از حد دریافت و تشخیص شاعر خارج باشد، در می‌یابیم که شاعر خود را به نادانی زده است تا در مشابهت آنها اغراق کند:

۱- نیما ب تگرگی است بر به سبزه / یا هاله گرفته است گرد مه را؟ (آیینه: ۳۵۷)
۲- این تیک و تاک ساعت مچ‌بند زیر سر / یا این صدای چشم‌های جوشان عمر توست / کاین گونه قطره قطره به مرداب می‌چکد؟ (آیینه: ۴۸۱)

۶-۵-تشبیه‌های که طرفین تشبیه یا یکی از آن دو از امور مربوط به زندگی و جامعه‌ی امروز یا واژگان زبان امروز است؛ مانند: جلگه (آیینه: ۱۲۶)، فلزی (آیینه: ۱۴۴)، پستانک (آیینه: ۱۷۷)، شاعر دیروز و مخاطبش - دو واژه به یک معنی (آیینه: ۲۰۹)، اسفالت (آیینه: ۳۵۲)، واج (آیینه: ۴۶۲)، نشرساده (آیینه: ۴۶۴)، شبدرا (آیینه: ۴۶۲)، زن جره (آیینه: ۴۸۰)، همه‌مه (آیینه: ۴۹۱)، واژه (آیینه: ۴۹۱)، چهلچراغ (هزاره: ۱۱۱)، قاره (هزاره: ۱۹۴)، گاری (هزاره: ۲۱۱)، چراغ قرمز (هزاره: ۲۱۱)، گرد سوز (هزاره: ۲۶۹)،

کاغذ کاهی (هزاره: ۲۷۴)، مغناطیس (هزاره: ۳۲۱)، سطل زباله (هزاره: ۳۳۶) جمله ساده (هزاره: ۴۰۲)، فعل لازم (هزاره: ۴۰۲)، اسم جامد (هزاره: ۴۰۲)، سبک و بافت (هزاره: ۴۸۴):

۶-۴-۶- تشبیه‌ها مستعمل و مبتذلی که با الفاظ جدید ارائه شده‌اند؛ مانند: و فانوس بلورین ستاره / بر این نیلی رواق جاودان دور / چراغ روشن کاشانه اوست (آینه: ۱۰۶) اغلب در شعر فارسی ستاره به چراغ تشبیه شده است، شفیعی به جای چراغ از لفظ «فانوس بلورین» استفاده کرده و همین انتخاب لفظ جدید که با مشبه تناسب لفظی (واج آرایی) هم برقرار می‌کند، به اضافه‌ی صفت «بلورین» باعث تازگی تشبیه شده است. نمونه‌ها: وخیمه‌ی قبایل تاتار / تا قله‌ی بلند آلاچیق شب / آتش گرفت و سوخت (آینه: ۲۴۸) به جای «خیمه» که به طور معمول در شعر گذشته مشبه به برای «شب» به کار رفته، شفیعی از واژه‌ی «آلاچیق» استفاده کرده و به تشبیه تازگی بخشیده است. از جمله نمونه‌های شعر گذشته به بیت زیر می‌توان اشاره کرد: طناب بافته باشد بدان امید که باز ز صبح خیمه‌ی شب را مگر طناب کنند (مسعود سعد)

در شعر: با این که یک بهار و دو پاییز / زنجیره‌ی زمان را / - با سیز و زردشان - / از آب رودخانه گذر دادند / دیدیم / در آب رودخانه همه سال / خون بود و خاک گرم که می‌رفت (آینه: ۲۸۲) شفیعی به جای واژه‌ی «سلسله» که در شعر گذشته به عنوان مشبه به زمان فراوان به کار رفته است، «زنجره» را برگزیده که هم تناسب موسیقایی با مشبه دارد و هم نو و بی سابقه است. تشبیه برف به لباس جدید نیست ولی شفیعی به جای لباس یا جامه واژه‌ی «شولا» را برگزیده که علاوه بر این که در شعر گذشته بی سابقه است، با تشبیه بعدی «شیشه‌ی یخ» واج آرایی ایجاد می‌کند و تازه و زیبا می‌نماید: بنگر آنجا در آن سپیداران / خفتگان‌اند لیک بیداران / زیر شولای برف و

شیشه‌ی یخ / از دم زمهریری دی‌ماه / زندگی را نهفته می‌دارند (هزاره: ۲۳۸). در شعر گذشته آمده است: درید بر بدن سبزه سیل جامه‌ی برف / ربود صوت عنادل ز چشم نرگس خواب (محمد فضولی)

۷-۴-۶- کاربرد واژگان و مفاهیم نقد ادبی در جایگاه مشبه یا مشبه به: شفیعی در بعضی تشییه‌ها از مفاهیم و اصطلاحات ادبی به عنوان مشبه به استفاده کرده؛ مثلاً نسیم و آب و جویبار را به جمله‌ی ساده، شاعر امروز و مخاطبیش را دو خط موازی و شاعر دیروز و مخاطبیش را به دو واژه به یک معنی تشییه می‌کند: جمله‌های ساده نسیم و آب و جویبار / فعل لازم نفس کشیدن گیاه / اسم جامد ستاره، سنگ / اشتقاد برگ از درخت / و آنچه زین قبل سوال‌هاست (هزاره: ۴۰۲)

و امروز چون دو خط موازی/در امتداد یک راه، یک شهر، یک افق / بی‌ نقطه تلاقی و دیدار / حتی در جاودانگی / دیروز - چون دو واژه به یک معنی - / از ما دوگانه هریک سرشار دیگری / اوچ یگانگی (آینه: ۲۰۹)

۷-۴-۷-تشییه و واژه‌سازی: در بعضی از تشییه‌ها از ترکیب مشبه و مشبه به واژه‌ی جدید ساخته شده که این امر بر زیبایی و تازگی تشییه افروده است؛ مانند: نعره سنگ (آینه: ۲۵۱)، واجموج (آینه: ۴۶۲)، ابریشم آوا (هزاره: ۱۵)، شکرپنجه (هزاره: ۷۸) و آذرخش واژه‌ی شعر (هزاره: ۸۸).

۷-تشییه‌ها شفیعی و تشییه‌ها شعر سنتی:

برخلاف شعر سنتی که به طور معمول تصاویر پراکنده و نامنسجم‌اند و هر تصویر برای خود جزیره‌ای مستقل است، در شعر شفیعی تشییه‌ها منسجم و هماهنگ‌اند. اجزای تشییه از یک حوزه‌ی معنایی یا از حوزه‌هایی نزدیک به هم انتخاب شده‌اند این امر علاوه بر این که بر زیبایی شعر می‌افزاید به انسجام و یک‌پارچگی ساختمان شعر

هم کمک می‌کند؛ به طور مثال در شعر صرف و نحو زندگی (هزاره: ۴۰۲) تشبیه‌های مانند: جمله‌های ساده‌ی نسیم، فعل لازم نفس‌کشیدن گیاه، اسم جامد ستاره، مرجع ضمیر زندگی آمده‌است که مشبه‌به‌ها همگی از اصطلاحات دستور زبان‌اند. یا در شعر «شعر ۲» (هزاره: ۴۸۳) وقتی می‌خواهد نارسايی تعریف‌های شعر را بیان‌کند برای تصویرسازی از واژه‌های «نشانی، کوچه، چار راه و میدان» استفاده می‌کند که مربوط به یک حوزه‌ی معنایی‌اند و تشبیه‌ها: کوچه‌ی کلام مخیل، چار راه ابهام و میدان سبک و بافت را می‌آفرینند: بیهوده پرسشی سنت که پرسیم / از هر کسی نشانی او را / زیرا / بسیارها نشانی بی‌جا: از کوچه‌ی کلام مخیل / تا چار راه ابهام، میدان سبک و بافت / خواهند گفت و باز دریغا / هرگز کسی نشانی او را / در ازدحام واژه، خواهد یافت (هزاره: ۳۸۴). در شعر خوش‌پرنده هم مشبه‌به‌های «کوچه، گاری، چراغ قرمز، راهبند و خیابان» را به کار می‌برد که با هم متناسب و مربوط زندگی شهری امروزی‌اند: «زکوچه‌ی کلمات / عبور گاری اندیشه است و سد طریق / تصادفات صدایها و جیغ و جار حروف / چراغ قرمز دستور و راهبند حریق / تمام عمر بکوشم اگر شتابان من / نمی‌رسم به تو هرگز ازین خیابان من» (هزاره: ۲۱۰ و ۲۱۱)

نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از بررسی و تحلیل ۴۵۶ تشبیه استخراج شده از دو مجموعه‌ی شعری شفیعی‌کدکنی نشان می‌دهد که: ۱- تشبیه‌ها فشرده با آمار ۳۶۲ مورد نزدیک به چهار برابر تشبیه‌ها گسترده با آمار ۹۴ است ۲- از مجموع تشبیه‌ها $53/6\%$ محسوس به محسوس، $43/7\%$ معقول به محسوس، $0/8\%$ معقول به معقول و $1/7\%$ محسوس به معقول است ۳- تشبیه‌ها مفصل در شعر شفیعی‌کدکنی بسیار کم است و در میان مجموع ۴۵۶ تشبیه ۲۵ مورد تشبیه مفصل دیده می‌شود. همان تعداد محدود هم یا

از تشییه‌های سنت که نو و تازه‌اند و شاعر باید وجه شبه را بیاورد تا تشییه توجیه پذیر باشد و یا از مواردی سنت که وجوده شبه متعدد و متنوع است و شاعر وجه شبه خاصی را در نظر دارد یا این که شاعر وجه شبه‌ی تازه یافته که زیبایی تشییه در آن است.

۴- بررسی مشبه‌ها از نظر معنایی نشان می‌دهد که بیشترین مشبه‌ها مربوط به حوزه‌ی طبیعت و بعد از آن مربوط به حوزه‌ی زندگی و تمدن سنتی و کهن است. بسامد بالای مشبه‌ها در این دو حوزه معنی‌دار است. طبیعت جایگاه ویژه‌ای در ذهن و اندیشه‌ی شفیعی دارد و یکی از سه ضلع مثلث هویت شعری وی را تشکیل می‌دهد. فراوانی مشبه‌ها مربوط به طبیعت نمودی از همین اندیشه‌ی طبیعت‌گرایی شفیعی است. فراوانی مشبه‌های مربوط به زندگی و تمدن سنتی هم با ضلع «تاریخ و فرهنگ‌گرایی» مثلث هویت شعر شفیعی ارتباط دارد. بنا به گزارش تالیفات و پژوهش‌ها و محتوای بسیاری از شعرها، شفیعی دل‌بسته‌ی تاریخ و فرهنگ کهن ایران بویژه آثار ادبی و عرفانی است. یکی از نمودهای این دل‌بستگی فراوانی همین مشبه‌های است که در واژه‌هایی مانند: چرخشت، مجرمه، مجری، خرقه، دستار، سبو، رخش رویین که از زبان کهن فارسی انتخاب شده و مربوط به زندگی سنتی است، نمود یافته است ۵- یکی از ویژگی‌های تشییه‌ها شفیعی کدنی رعایت وجه موسیقایی آنهاست. از میان ۴۵۶ تشییه در ۵۴ مورد بین طرفین تشییه تناسب لفظی رعایت شده است. نمود این مقوله‌ی هنری در شعر شفیعی به حدی است که شگردهای مختلف موسیقی افزایی مانند واج‌آرایی، سجع، جناس و تکرار، یک ویژگی سبکی وی به شمار می‌آید. ۶- عنصر غالب در تشییه‌ها شفیعی طبیعت است از میان ۴۵۶ تشییه در ساختمان ۲۳۲ تشییه در جایگاه مشبه یا مشبه‌به یا گاهی در هر دو جایگاه از پدیده‌های طبیعت استفاده شده است. جلوه‌های گوناگون طبیعت علاوه بر این که موحد تصویرهای زنده و جذاب شده، از نظر زبان و معنی هم به شعر غنی و

گسترده‌گی بخشنیده است ۷- بررسی تشبیه‌ها تکراری شعر شفیعی و مقایسه آنها با شعر شاعران گذشته نشان می‌دهد بالاترین آمار به ترتیب بسامد از آن صائب (۱۹ مورد)، بیدل (۱۵ مورد) و خاقانی (۹ مورد) است و از طرفی با توجه به این که از میان این ۸۳ تشبیه، ۵۷ مورد آن در مجموعه‌ی آیینه‌ای برای صدایها آمده که از نظر زمانی نسبت به مجموعه‌ی هزاره‌ی دوم آهوی کوهی مقدم است، نتیجه می‌گیریم که شفیعی در شعرهای دفترهای اوّل بیشتر تحت تأثیر شاعران سبک هندی بویژه صائب و بیدل بوده است ۸- تشبیه‌ها نو شفیعی به طور معمول با یکی از صنایع بدیعی مانند واج‌آرایی، ایهام و حس‌آمیزی همراه است یا تشبیه‌ی مستعمل است که با تصرفی نوشده است ۹- برخلاف شعر ستّی که به طور معمول تصاویر پراکنده و نامنسجم‌اند، در شعر شفیعی تشبیه‌ها منسجم و هماهنگ‌اند. اجزای تشبیه از یک حوزه‌ی معنایی یا از حوزه‌هایی نزدیک به هم انتخاب شده‌اند این امر علاوه بر این که بر زیبایی شعر می‌افزاید به انسجام و یکپارچگی ساختمان شعر هم کمک می‌کند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتوال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

- ۱- براهانی، رضا(۱۳۷۱) طلا در مس، ۳ ج، تهران: ناشر نویسنده.
- ۲- بهمنی مطلق، حجت‌الله(۱۳۹۲) «بازتاب میراث صوفیه در شعر شفیعی کدکنی»، مجموعه مقالات هشتمین همایش بین‌المللی انجمن ترویج زبان و ادب فارسی ایران، دانشگاه زنجان، شهریورماه ۱۳۹۲.
- ۳- پورنامداریان، تقی (۱۳۷۴) سفر در مه، تهران: زمستان.
- ۴- زرقانی، مهدی (۱۳۸۳) چشم‌انداز شعر معاصر ایران، تهران: ثالث.
- ۵- شفیعی کدکنی محمدرضا (۱۳۶۶)، شاعر آیینه‌ها، تهران: آگاه.
- ۶- ——— (۱۳۶۸)، صور خیال در شعر فارسی، تهران: آگاه.
- ۷- ——— (۱۳۷۶)، هزاره‌ی دوم آهوی کوهی، تهران: سخن.
- ۸- ——— (۱۳۷۹)، آیینه‌ای برای صدای، تهران: سخن.
- ۹- ——— (۱۳۸۲)، ادوار شعر فارسی، تهران: سخن.
- ۱۰- ——— (۱۳۹۲)، زبان شعر در نثر صوفیانه، تهران: سخن.
- ۱۱- شمیسا، سیروس (۱۳۷۶) بیان، تهران: فردوس.
- ۱۲- ——— (۱۳۷۸) کلیات سبک‌شناسی، تهران: فردوس
- ۱۳- فتوحی، محمود (۱۳۸۶) بلاغت تصویر، تهران: سخن.
- ۱۴- عطار نیشابوری (۱۳۸۸) تذکره‌الاولیا، تصحیح نیکلسون تهران: هرمس.